

یادداشت

نقش زنان در خانواده و همسر کشی



سعيد معيدفر ^{جامعه‌شناس و استاد دانشگاه}

■ اشتغال زنان و تغییر نقش آنها درحالی‌که شوهر همچنان توقع دارد زن نقش سنتی‌اش را ایفا کند، توسط رییس‌پلیس آگاهی ناجا یکی از دلایل همسر کشی عنوان شده است، حال آنکه این نظریه درست به نظر نمی‌رسد، زیرا اشتغال زنان در جامعه ما مربوط به سال‌های اخیر نیست، سال‌هاست که زنان در ایران در کنار کار به بیرون از خانه وظایف خود را به عنوان همسر انجام می‌دهند و تقریباً در بیشتر موارد با توجه به تحول نقش زنان، همسران نیز همکاری می‌کنند. بنابراین چنین تحلیلی در مورد وقوع همسر کشی که زنان نسبت به کارهای منزل مشکل دارند و به همین دلیل صدمه می‌بینند، درست نیست. در صورت صحت این نظر باید هر روز هزاران نفر همسران خود را می‌کشند. بنابراین بسیار غیر کارشناسانه است که زنان به خاطر اینکه نمی‌توانند مسوولیت همسری خود را انجام دهند با این معضل روبه‌رو شده‌اند. به نظر می‌رسد در خصوص بررسی علل همسر کشی با خلأ مطالعات و تحقیقات روبه‌رو هستیم و مشکل اصلی ما عدم مشارکت کار شناسان خبره است که براساس پژوهش اظهار نظر کنند. در جامعه ما خانواده‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند؛ مشکل اقتصادی، بیکاری، تورم و آسیب‌های دیگر در حال حاضر اعتیاد روزافزون و مشکلات دیگری مانند خشونت اجتماعی و... به خانواده‌ها آسیب زده و به دلیل پایین آمدن آستانه تحمل افراد در خانواده این نهاد اجتماعی دچار صدمه شده است.

رخداد

کلاهدر داری با وعده تهیه ارز برای دانشجویان

■ شرق: زن کلاهدراری که قرار بود برای دانشجویی در مازنی ارز تهیه کند به اتهام کلاهدراری ۱۱ میلیون تومانی دستگیر شد وکیل این دانشجویا مراجعه به پلیس فتای استان خراسان رضوی طی شکایتی گفت: «موکل من برای تامین هزینه تحصیلی و سایر هزینه‌ها در کشور مالزی به دنبال فردی می‌گشت که بتواند پول‌های خود را در ایران به از ارزی مازنی تبدیل کند و در کشور مقصد به او تحویل بدهد. وی در این حین با زنی آشنا شد و آن زن اعلام کرد بسیاری از دانشجویان و شرکتها و... ارز مورد نیازشان را از طریق او دریافت می‌کنند و مدیر صرافی معرفی است که سایت اینترنتی می‌دارد و با بهره کم ربال را به ارز تبدیل می‌کند و در مالزی تحویل می‌دهد.» این وکیل ادامه داد: «موکل من با مراجعه به سایت زن شباد و ریختن مبلغ ۱۱ میلیون تومان به حساب اعلامی در سایت منتظر دریافت ارز در کشور مالزی شد ولی پس از گذشت مدت طولانی نتوانست ارز مورد نظر را دریافت کند و آن زن نیز تهدیدش کرد اگر موضوع را پیگیری کنه‌وی را به قتل می‌رساند.» ماموران بعد از شنیدن این شکایت تحقیقات‌شان را آغاز و متهم را دستگیر کردند.

اعتراف به سرتقت از ۲۵ خانه

■ شرق: پنج عضو یک باند سرتقت از منازل که متکب ۲۵ فقره زردی شده بودند شناسایی و دستگیر شدند. سرهنگ «کرم‌رضا براتی» به‌رمانده انتظامی اظهار داشت با اعلام این خبر گفت: در پی دریافت گزارش‌های متعدد مبنی بر وقوع چندین فقره سرتقت منزل پیگیری موضوع در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی در ادامه اظهار داشت: ماموران با انجام کارهای اطلاعاتی و انجام گشت‌زنی‌های نامحسوس در منطقه که از آنجا سرتقت صورت گرفته بود و با مراجعه به بانک اطلاعاتی سارقان موفق شدند محل اختفای سردهست باند را شناسایی و او را در منزلش دستگیر کنند. وی ادامه داد: «متهم به ۲۵ فقره سرتقت منزل با همدستی چهار نفر دیگر اعتراف کرد و ماموران با راهنمایی‌های او دیگر اعضای باند را نیز دستگیر کردند»

اخاذی با لباس پلیس

■ شرق: ماموران انتظامی شرق تهران در اقدامی پلیسی سه متهم را که در پوشش مامور پلیس از شهروندان اخاذی می‌کردند دستگیر کردند. سرهنگ «فتحی»فرمانده انتظامی ویژه شرق تهران با اعلام این خبر افزود: درپی مراجعه و شکایت تعدادی از شهروندان ورامین مبنی بر اینکه افرادی ملیس به لباس نیروی انتظامی ضمن معرفی خود به عنوان مامور پلیس مبارزه با موادمخدر، اطلاعات یا آگاهی با در دست داشتن تجهیزات پلیسی اقدام به بازرسی منزل و سرتقت تمامی طلاجات و پول نقد کرده‌اند، تحقیقاتی در این زمینه آغاز شد. وی افزود: ماموران با انجام کار وسیع اطلاعاتی متوجه شدند، سارقان هر دفعه حوالی طهر با یک دستگاه خودرو تندرو سرتقت‌ها را انجام می‌دهند. در این رابطه مشخص ظاهری مجرم‌ان جمع‌آوری شد و چهره فرضی آنان ترسیم شد سپس طرح مهار به اجرا درآمد که در نهایت یک دستگاه خودرو پژو بدون پلاک با سه سرشنس در میدان بسیج شناسایی شد و متهمان در یک عملیات تعقیب و گریز دستگیر شدند. سرهنگ «فتحی» با اشاره به انتقال متهمان به پلیس آگاهی شرق استان تهران گفت: متهمان به ۱۵ فقره سرتقت تحت عنوان مامور به ارزش تقریبی ۷۵۰ میلیون ریال قرار کردند.

شرق: مردی که همسر و دختر نوجوانش را به قتل رسانده است بعد از چهارسال به ارتکاب این جنایت اقرار کرد. به گزارش خبرنگر نما، مرد ۳۶ساله‌ای به نام حسین که ابتدا مدعی بود فردی ناشناس وارد خانه‌اش شده و همسر و دخترش را به قتل رسانده است، سرانجام تصمیم گرفت واقعیت را بگوید و به قتل اعتراف کند. حسین چهارسال قبل به ماموران پلیس رباط کریم خبر داد همسرش شکیلا و دخترش مینا کشته شده‌اند. این مرد که به شدت گریه می‌کرد به پلیس گفت: صبح برای رفتن به سر کار از خانه خارج شدم و از همسر و دخترم خبر نداشتم، بعدازظهر که به منزل برگشتم دیدم آنها کشته شده‌اند. وقتی ماموران وارد خانه این مرد شدند، اجساد روی زمین افتاده بود و آن‌طور که حسین می‌گفت مقداری طلا نیز از خانه به سرتقت رفته بود. به این ترتیب فرضیه قتل با انگیزه دزدی مطرح و به دستور بازپرس اجساد به پزشکی قانونی فرستاده شد تا نحوه مرگ به‌طور دقیق مشخص شود. یک هفته بعد متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند مقتولان با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌اند. آنها اعلام کردند روی شکم و سینه شکیلا زن ۳۰ساله جای شمش ضربه چاقو وجود دارد که عمق ضربات نشان می‌دهد کسی که آنها را وارد کرده احتمالاً با خشم زیاد این کار را انجام داده است ضمن اینکه ضربه نهایی را به گردن مقتول

زده و تقریباً گردن بریده شده است. آنها در مورد جسد مینا دختر ۱۰ساله نیز اعلام کردند ضربات بر بدن مینا هم متعدد است. این دختر قصد داشت فرار کند و ضربات در حالت فرار بر بدن او کوبیده شده است. گزارش صحنه قتل هم نشان می‌داد یک آشنا جنایت را مرتکب شده است چرا که اولا مقاومتی در برابر قاتل به خانه صورت نگرفته و درها سالم بود ضمن اینکه وضعیت خانه نشان می‌داد شکیلا در حال تمیز کردن خانه بود و حین انجام کار با آن فرد درگیر شد.

در این بین راهنمایی‌های حسین می‌توانست کارساز باشد، اما او گفت با کسی دشمنی ندارد و نمی‌داند چه کسی این کار را کرده و از آنجایی که الگوهای دختر و زنش سرتقت شده حدس می‌زند فرد قاتل قصد سرتقت داشته است. به این ترتیب پرونده به نتیجه نرسید و آنچه شک ماموران را برانگیخت، پی‌انگیزه بودن حسین برای پیدا کردن قاتل بود. بنابراین فرضیه دوم شکل گرفت و ظن پلیس این بار متوجه حسین شد. اما دلایل و مدارک علیه او انقدر قوی نبود که حسین بازداشت شود چرا که همکاران او در محل کارش گفته‌های وی را تایید کردند و معلوم شد هرچه در مورد حضورش در محل کار گفته در دست است و همکارانش هم چیز غیرعادی در رفتار او ندیده‌اند. سرانجام بعد از گذشت

چهارسال در حالی که تجسس‌ها به بن‌بست رسیده بود، حسین تصمیم گرفت واقعیت را بگوید. این مرد به اداره آگاهی رفت و به قتل همسر و فرزندش اعتراف کرد و گفت: «من و شکیلا مدت‌ها بود با هم مشکل داشتیم. او از اینکه همیشه در خانه بود ناراحت بود. می‌گفت نمی‌خواهد این‌طور زندگی کند و هر روز با من دعوا می‌کرد. روز حادثه گفت قصد دارد به سفر برود، من هم گفتم برو اما حق نداری مینا را ببری اما شکیلا گفت مینا را هم می‌برد. زنت گفتم اگر دوست داری تو هم بیایی سرکار نرو. جواب دادم نمی‌توانم این کار را بکنم و حتماً باید سر کار باشم. او فکر می‌کرد هر آدمی می‌تواند مرخصی بگیرد و من مخصوصاً نمی‌خواهم با همسر و فرزندم باشم. آن روز خیلی عصبانی شدم. زنت تصمیم خودش را گرفته بود و می‌خواست از خانه بیرون برود. انقدر عصبانی شدم که دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم. چاقویی از آشپزخانه برداشتم و به سمتش حمله کردم. من داشتم زنت را با چاقو می‌زدم. شکیلا فریاد زد که به مینا گفتم برو بیرون و مردم را خبر کن. این بار به سمت مینا رفتم و به او از پشت چاقو زدم. مینا روی زمین افتاد. او حتی ناله هم نمی‌کرد و فقط داشت به من نگاه می‌کرد. متهم ادامه داد: «دوباره به سمت زنت رفتم و چند ضربه دیگر به او زدم بعد دوباره به مینا هم ضربه زدم. وقتی مطمئن شدم فوت شده‌اند از چاقو زدن

قتل، تاوان رابطه پنهانی با زن متاهل

هرچه سوال کرد حقیقت را نگفتم، من نمی‌توانستم. آن اتفاقی را تحمل کنم. برای همین تصمیم به خودکشی گرفتم اما مرا به موقع به بیمارستان رساندند و نجات پیدا کردم. بعد از آن وقتی به خانه برگشتم حسن من را

به باد کتک گرفت تا حقیقت را به او بگویم. من هم توضیح دادم چه اتفاقی افتاده است. بعد از آن حسن با همدستی پسرعموش سراغ جعفر رفتند و او را کشتند.» ماموران بعد از شنیدن این اعترافات دو متهم مرد را بازداشت کردند. حسن در بازجویی‌ها همان حرف‌های همسرش را تکرار کرد اما کارآگاهان که احتمال می‌دادند



میوه می‌خریدم. یک روز وقتی شوهرم حسن به سفر رفته بود باز هم سراغ جعفر رفتم و میوه خریدم و او فهمید شوهرم در خانه نیست. آن شب زنگ در به صدا درآمد و من صدایی شبیه به صدای شوهرم را شنیدم و فکر

کردم او زودتر از سفر برگشته است اما وقتی در را باز کردم ناگهان جعفر داخل آمد. او دستمالی را جلو دهنم گرفت و من بی‌هوش شدم. وقتی به خودم آمدم فهمیدم آن مرد به من تجاوز کرده است. او از خنل‌ام فرار کرده بود. بعد از آن از لحاظ روحی به شدت آشفته بودم و شوهرم بعد از برگشتن از سفر متوجه این موضوع شد اما

اعتراف به قتل همسر و فرزند بعد از ۴سال

دست برداشتم. شکیلا باعث شد من دخترم را بزتم به همین دلیل هم دوباره به سمت شکیلا رفتم و گردنش را با چاقو بریدم. از خانه بیرون رفتم. چند ساعتی سرکار بودم و برگشتم. بعد در خانه بالای سر اجساد نشستم. باورم نمی‌شد این کار را کرده باشم و نمی‌دانستم چرا ایسن کار را کردم. از اینکه واقعیت را به پلیس بگویم می‌ترسیدم. تصمیم گرفتم صحنه‌سازی کنم. وسایل خانه را به هم ریختم و بعد با قیچی الگوهای دخترم را بردم و گوشواره‌های زنت را کندم و از خانه بیرون رفتم. چاقویی را که با آن قتل‌ها را انجام داده بودم به همراه طلاهایی که از دخترم و زنت جدا کرده بودم برداشتم و با خود بردم و به بیابان انداختم. بعد به خانه برگشتم، خودم را مرتب کردم به پلیس زنگ زدم. به هیچ چیز دست نزده بودم و وقتی ماموران آمدند و صحنه را دیدند حرفم را باور کردند.» این مرد در ادامه صحنه قتل‌ها را هم بازسازی کرد و گفت به دلیل عذاب وجدانی که داشته تصمیم گرفته خود را به ماموران معرفی کند. بعد از پایان جلسات بازپرسی و تکمیل پرونده، کیفرخواست علیه حسین صادر و پرونده وی برای رسیدگی به شعبه ۷۱دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. حسین در حالی به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود که اولیای‌هم همسرش برای او درخواست قصاص کرده‌اند.

شهلا موضوعی را پنهان می‌کند به بازجویی از وی ادامه دادند تا اینکه این زن دیروز در جلسه بازپرسی که در داسرای جنایی تشکیل شد اعتراف‌اش را تغییر داد و گفت: «من از چهار ماه قبل با جعفر رابطه داشتم و او همیشه از من می‌خواست از شوهرم جدا شوم تا با هم ازدواج کنیم. جعفر خیلی به من ابراز علاقه می‌کرد و البته من هم او را دوست داشتم. وقتی شوهرم به سفر رفت جعفر به خانه ما آمد و با هم رابطه برقرار کردیم. اما بعد از آن دچار عذاب وجدان شدم و تصمیم به خودکشی گرفتم. بعد از مرخص شدن از بیمارستان به شوهرم گفتم جعفر به زور به من تعرض کرده است.» او ادامه داد: «وقتی شوهرم دروغ منن را باور کرد درخواست جعفر را به خانه بکشتم بعد حسن و پسرعموش او را کشتند و جسدش را در بیابان‌های رباط کریم انداختند.» بنا بر این گزارش در حال حاضر تحقیقات از متهمان در ادامه دارد که جنازه مقتول پیدا شده است.

کلاهدر داری با فروش طلای قلابی

تقلبی به زرگری‌ها کرده‌اند. با معرفی «علی‌اکبر» به‌عنوان تهیه‌کننده فرهنگی اجتماعی مکتبی رخ‌خوردار هستند. در این استان‌ها حتی قلابی‌ها با انگیزه ناموسی و برای سروپوش گناشتن برخطا یا بی‌ای‌روی رخ می‌دهد. در استان یا شهری دیگر مثل تهران که انگاره‌های سنتی تا حدودی رنگبیاخته و روابط براساس ویژگی‌های جامعه مدرن شکل گرفته نیز تنوع گرای و چندگرایی جنسی و گاه خیانت‌های خانوادگی، زمینساز بروز قتل می‌شود. در اینجا می‌توان به بازگشت برخی زنان به روابط دوستی با غیرهمجنس پیش از ازدواج به عنوان یک عامل پرمخاطره اشاره کرد که می‌تواند زمینه‌ساز بروز واکنش‌های خشونت‌بار همسر باشد. به‌علاوه اجبار به فعالیت‌های اقتصادی توسط زنان در بعضی خانواده‌ها که همچنان از ساختار سنتی خانواده طبعت می‌کنند می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات خانوادگی شود که بعضی از این اختلاف‌ها حتی به طلاق هم کشیده می‌شود که البته درصدی از اختلافات منجر به درگیری ممکن است باعث قتل هم بشود اما این موضوع یعنی اشتغال زنان دلیل اصلی قتل زنان نیست اما زمینه‌ساز بروز برخی اختلافات است.

۴-زنان: در بسیاری از قتل‌ها قربانی خشونت‌های جنسی می‌شوند. نوعی از خشونت که از زمینه‌های طبیعی‌امیز فرهنگی و اجتماعی و حقوقی در جامعه برخوردار است زمینه‌هایی مثل نظام مردسالار، ضرورت تمکین زن، تمک جنسی و حس مالکیت جنسی، ندانستن حق قلاق، دیده نابرابر زنان، احکام قضایی بسیار سنگین و خشونت‌بار در برابر اعتراضات جنسی زنان و...

سرهنگ کارآگاه محمد اشراقی، رییس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: «با توجه به شیوه و شگرد متهمان در فروش طلای تقلبی که از مصادیق جرم کلاهدر داری محسوب می‌شود و همچنین احتمال افزایش تعداد مالبیاختگانی که به شیوه‌های مشابه مورد کلاهدراری قرار گرفته‌اند، مجوز انتشار بدون پوشش چهره دو متهم پرونده که اقدام به فروش طلاهای تقلبی به زرگری‌های سطح شهر تهران به‌ویژه در منطقه جنوب و جنوب شرق تهران کردند، از سوی مقام قضایی صادر شده‌است بنابراین از کلیه مالبیاختگانی که موفق به شناسایی متهمان شده‌اند دعوت می‌شود برای طرح و پیگیری شکایت خود به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

بودیم. سعید مرتب زنگ می‌زد. پدرم کلافه شد و گفت به خاله می‌رود. یک ساعت بعد زنگ زد و گفت سعید و دوستاش جلو در خانه او زده‌اند. پدرم چاقو خورده بود. خیلی ترسیدم و بلافاصله به سمت خانه حرکت کردم. وقتی رسیدم سعید و دوستانش به من حمله کردند. آنها من را زدند و من و سعید با هم گلاویز شدیم. من فقط یک ضربه چاقو به سعید زدم که خودم به دست او کشته نشوم. در این هنگام قاضی از او خواست تا در مورد انگیزش از قتل صحبت کند. متهم گفت: دوست ندارم در مورد انگیزهام چیزی بگویم. در ادامه دیگر متهمان دفاعیات خود را مطرح کردند. سپس هیات قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

متهم در جلسه محاکمه:

انگیزه‌ام را از قتل نمی‌گویم

شدم و دنبال پدرموامرد رفتم تا آنها را برای شام به خانه خواهرم ببرم. در راه سعید جلو مرا گرفت. درهای ماشین را قفل کردم که او وارد نشود. به من گفت چرا پشت سر من حرف زدی. نمی‌خواستم درگیر شوم. گاز دادم و رفتم پدرموامرد را سوار کردم. تلفن همراه مادرم مرتب زنگ می‌زد اما کسی که پشت خط بود حرف نمی‌زد. وقتی من گوشی‌اش را جواب دادم دیدم سعید است. او به من توهین کرد.متهم ادامه داد: شب را خانه خواهرم



شرق: دو مرد که با فروش طلاهای قلابی به زرگری‌ها دست به کلاهدراری می‌زدند به دام افتادند. به گزارش خبرنگار ما مرکز فوریت‌های پلیسی تهران چند روز قبل از ماموران کلانتری غیابی خواست به یک زرگری در میدان خراسان بروند و درباره دستگیری دو متهم در آنجا تحقیق کنند. با حضور ماموران کلانتری در محل و انجام تحقیقات مقدماتی مشخص شد دو جوان دستگیرشده قصد داشتند با استفاده از فاکتور

جعلی یک رشته طلای تقلبی را بفروشند. با تشکیل پرونده مقدماتی به دستور دادیار شعبه اول دادرسی ناحیه ۱۴ تهران، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار پایگاه ششم پلیس آگاهی قرار گرفت و شاکي که با کمک همکاران خود این دو جوان را دستگیر کرده بود، در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «در مغازام در حال مرتب کردن ویرتین بودم که این دو جوان وارد شدند و با نشان دادن یک رشته زنجیر و فاکتور خرید طلا عنوان کردند قصد دارند طلا را بفروشند. در نگاه اول به هیچ عنوان تقلبی بودن زنجیر قابل تشخیص نبود اما من طبق عادت همیشگی، زنجیر طلا را امتحان کردم و متوجه شدم تعداد زیادی از پندهای زنجیر از جنس طلا نیست و این در حالی بود که آن دو جوان اصراً داشتند زنجیر را از یک طلافروشی خریده‌اند. من که به موضوع مشکوک شده بودم بدون اینکه جلب توجه کنم موضوع را با همکارم در میان گذاشتم و او نیز از مغازه خارج شد تا از کسبه محل کمک بخواهد و با پلیس نیز تماس بگیرد. بعد از آن با کمک کسبه آنها را دستگیر کردم و به ماموران کلانتری تحویل دادم.»

در ادامه دو متهم به اسامی «صادق» (۲۴ساله) و «داود» (۲۵ساله) تحت بازجویی قرار گرفتند و در اعترافات خود به کارآگاهان عنوان کردند از چندی پیش به پیشنهاد یکی از همسایگان‌شان که مردی ۴۰ساله به نام «علی‌اکبر» است اقدام به فروش طلای

نگاه

بررسی دلایل قتل زنان

سعید خراطها



■ بر اساس آمار رسمی قتل در ایران با وجود نوسانات در رقم جنسیت قاتلان و مقتولان و نواقص مستویات و ثبت وقایع قتل در ایران مشاهده می‌کنیم معمولاً کمتر از ۱۰ درصد از قاتلان و بیش از ۲۰ درصد از مقتولان را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین در ازای هر یک زن قاتل دو زن مقتول وجود دارد که این بیانگر وجود خشونت علیه زنان در جامعه است. در بیان علل و انگیزه قتل زنان (ضمن اشاره به قبح ذاتی قتل) به چند نکته می‌توان اشاره کرد.

۱- برخی از قتل‌های زنان در ادامه درگیری‌های خانوادگی (زن‌شوهری) صورت می‌گیرد. درگیری‌هایی که در ابتدا جنبه اختلاف‌نظر داشته ولی اندک‌اندک به علت اینکه زبان، منطق و نظام گسترده خانوادگی و اجتماعی توان پیگیری و حل اختلاف را نداشته اختلاف به نزاع و ضرب و جرح و سپس وقوع قتل منجر می‌شود در بسیاری از این گونه اختلافات و درگیری‌های منجر به قتل، سابقه درگیری در خانواده و مراجعه به دادگاه و حتی تقاضای طلاق نیز وجود داشته است به‌علاوه در بسیاری از این موارد قصد به قتل رساندن زن وجود نداشته اما کاربرد خشونت افسار گسیخته ناشی از عصبانیت و به کارگیری آلات و اجسام سخت در ضرب و جرح موجب بروز قتل می‌شود.

۲- برخی از قتل‌های زنان توسط همسران معناد یا دوستان و نزدیکان آنها در شبکه همنشینیان معناد یا جامعه اعتیالزده رخ می‌دهد. آثار توهمی، اختلال شعور و اثراک، خشونت، حمل‌ها و فشارهای عصبی، درگیری‌ها و ضرب و جرح ناشی از سوءصرف موادمخدر خصوصاً شیشه، کراک و هرویین، خماری ناشی از تنویق در مصرف و ناتوانی در تهیه مواد زمینساز بروز نزاع و درگیری‌های منجر به قتل می‌شود و البته در برخی موارد توهم خیانت همسر و حتی گاه خیانت زن معناد موجب بروز قتل می‌شود.

۳- در تحلیل وضعیت قتل در ایران لازم است به شرایط متفاوتی که در استان‌ها، شهرها و حتی روستاهای کشور وجود دارد توجه کرد. در بعضی استان‌ها مستی به عنوان انگیزه قتل مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد و در استانی دیگر، انگیزه‌های ناموسی و در استانی دیگر نزاع و درگیری، به این معنا که در جایی کتک زدن زنان بخشی از ابزار کنترلی زنان در سرپیچی‌های فرهنگی است و در جایی دیگر، قتل به عنوان ابزار اعتراض مردان و وسیله کنترل زنان نقش آفرینی می‌کند. در برخی مناطق همچنان شاهد شرایطی هستیم که در آن زنان کمترین امکان را در انتخاب و ارتباط دارند

و هر گونه نافرمانی از نظام سنتی و مردسالار با واکنشی خشونت‌بار روبه‌رو می‌شود. در این گونه استان‌ها آمار قتل زنان و قرار دخترتان و زنان از منزل و خودکشی زنان و همین‌طور آمار طلاق از بابط معناداری دارد و مجموعه این رخدادها از ریشه‌های فرهنگی اجتماعی مکتبی رخ‌خوردار هستند. در این استان‌ها حتی قلابی‌ها با انگیزه ناموسی

و برای سروپوش گناشتن برخطا یا بی‌ای‌روی رخ می‌دهد. در استان یا شهری دیگر مثل تهران که انگاره‌های سنتی تا حدودی رنگبیاخته و روابط براساس ویژگی‌های جامعه مدرن شکل گرفته نیز تنوع گرای و چندگرایی جنسی و گاه خیانت‌های خانوادگی، زمینساز بروز قتل می‌شود. در اینجا می‌توان به بازگشت برخی زنان به روابط دوستی با غیرهمجنس پیش از ازدواج به عنوان یک عامل پرمخاطره اشاره کرد که می‌تواند زمینه‌ساز بروز واکنش‌های خشونت‌بار همسر باشد. به‌علاوه اجبار به فعالیت‌های اقتصادی توسط زنان در بعضی خانواده‌ها که همچنان از ساختار سنتی خانواده طبعت می‌کنند می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات خانوادگی شود که بعضی از این اختلاف‌ها حتی به طلاق هم کشیده می‌شود که البته درصدی از اختلافات منجر به درگیری ممکن است باعث قتل هم بشود اما این موضوع یعنی اشتغال زنان دلیل اصلی قتل زنان نیست اما زمینه‌ساز بروز برخی اختلافات است.

۴-زنان: در بسیاری از قتل‌ها قربانی خشونت‌های جنسی می‌شوند. نوعی از خشونت که از زمینه‌های طبیعی‌امیز فرهنگی و اجتماعی و حقوقی در جامعه برخوردار است زمینه‌هایی مثل نظام مردسالار، ضرورت تمکین زن، تمک جنسی و حس مالکیت جنسی، ندانستن حق قلاق، دیده نابرابر زنان، احکام قضایی بسیار سنگین و خشونت‌بار در برابر اعتراضات جنسی زنان و...

حادثه

قتل نوزاد یک‌روزه توسط پدرش

■ پلیس‌خبر: پدری که پسرش را یک روز پس از تولد درون کیسه پلاستیک زباله قرار داده و باعث مرگ او شده بود دستگیر شد. ماموران آگاهی طبس از وجود جسد طفلی نزدیک یکی از داروخانه‌های بخش مسوگردان شهرستان مطلع شدند و با حضور در آنجا مشاهده کردند جسد متعلق به نوزاد پسر۱ است که به صورت عریان درون یک پلاستیک زباله قرار گرفته و از ناحیه ستر دارای آثار خونریزی است. جسد به بهداری طبس منتقل شد، در آزمایش‌های اولیه مشخص شد کمتر از یک یا دو ساعت از مرگش می‌گذرد. با توجه به حساسیت موضوع تحقیقات محلی و مقدماتی آغاز و مشخص شد زن مطلقه ۳۷ساله‌ای روز قبل وضع حمل کرده است. این زن از مدت‌ها صیفه مردی ۴۵ساله بود و از وی باردار شده بود و شوهر نمی‌خواست فرزندارشدن‌شان را بپذیرد. این زن وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: «شوهرم از من خواست برای وضع حمل به بیمارستان نروم، من هم در خانه زایمان کرده‌ام. بعد از آن شوهرم بدنم را مد و بچه را از من گرفت و گفت چون در شرایط بدی متولد شده است برای مداوا و تحت‌نظر قرار دادن او را به بهداری می‌برد و از آن لحظه به بعد اطلاعی از او ندارم.» به دنبال اظهارات این زن، شوهرموت او دستگیر شد و پس از تشکیل پرونده، هر دو به داسرا معرفی و با قرار قانونی روانه زندان شدند.